

به نام خدا

**دهمین جایزه**  
**داستان‌های ده کلمه‌ای**  
**فراموشی نی**

آذرماه ۹۷

\*بر اساس رنگ ها و عبارات می‌توانید داستان‌ها را از یکدیگر تفکیک نمائید\*

\*\*\*برگزیده\*\*\*

\*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

۱- جا به جا چسباند، فیلم را از آخر دیدند.

آرسان صفا

۲- کفشهایش را برای یک دقیقه زندگی بهتر از حالایش فروخت

ابراهیم آشوردن

۳- خونه که رسیدم اجاق روشن بود!

هنوز کلیدشو داشت.

ابوالقاسم ارمودی

۴- پشت انگشت به سماور کشید. سرما تا اعماق قلبش خزید

احسان موحد

۵- استخاره کرد. خوب آمد. چهارپایه را پس زد. قرآن افتاد.

احمد نوری

۶- عصری بهاری، خندیدی، دامنت چرخید ، شکوفه های بادام بارید.

اسماء منظری توکلی

۷- جوان رفت تا معشوقه اش با پیرمرد ثروتمند به رویاهایش برسد.

اعظم خالصه

۸- زن دوم

من می گم اول طلاق اون میگه اول ازدواج

اعظم خراشادی زاده

۹- قاب عکس خرید برای صاحب عکسی که دیگر نبود.

اعظم خندان

۱۰- جنگ

گوشش را محکم گرفت مادر زاد نمیشنید ولی میفهمید

الهام خوشدل

۱۱- آخرین «پیامبر» را فرستاد...

بشر دیگر

به «نان آور» نیاز داشت. \*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

امیرحسین والا

۱۲- صبح که شد همه ی مردم شهر مجرم شناخته شدند!! \*\*\*برگزیده\*\*\*

انسیه عباس نژاد

۱۳- به نابینا میگفت

آب هویج بخور برا چشات خوبه.

ایمان احمدی پور

۱۴- شب یلدا

پول نداشت.

با مداد سرخ انار می کشید.

بهمن خرامان

۱۵- قیمت سکه افزایش یافت.  
مجبور شد شب ها هم کار کند.

جعفر جاسمی نژاد

۱۶- با همه توانش فریاد زد کمک، کوهستان جوابش را داد

جمشید نصیری

۱۷- بچه شیر میخواست، ولی مادر آبی بر روی سنگ قبر

حبیب الله خوشدل

۱۸- گربه ها لاغر شده اند . کودکی دنبال غذا سر در سطل زباله...

حبیبه شعبانپور

۱۹- مرد ، جان داد . تصور تابوت ، خواب درخت را آشفته کرد.

حسن حسینی

۲۰- نقشه داشت خوب پیش می رفت تا اینکه گفت دوست دارم

حسن رحیمی مقدم

۲۱- تجاوز

دخترک لطیف، مثل صورتی  
بعد آن ماجرا قرمز شد...

حسین قباخلو

۲۲- بادکنکها در دست پیرمرد  
سرنوشت دخترک کبریت فروش

حمید نصیری

۲۳- راننده تاکسی کهنه ترین پانصدی را به مسافر افغانی اش داد. \*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

حمید نوروزی

۲۴- خاکبرداری، دفتر مشق، خاکبرداری، عروسک، خاکبرداری، ... سکوت سگ زنده یاب. \*\*\*برگزیده\*\*\*

دادمهر الماسی

۲۵- عینکش را گم کرده بود. مرد میگفت بوی خیانت میدهی.

دریا بانوج

۲۶- با باور برآمدن خورشید، تنهایی شب یلدایش را جشن گرفت.

دلارا آقازاده

۲۷- اون مردی که کنار گیتِ ، همون اختلاسگر اعدامی نیست؟

رضا جعفری

۲۸- من می آیم ؛ تو می روی. رفت و آمدِ عاشقانه ماست.

ریحانه سادات افخمی

۲۹- او آمد

و تمام آرزوهایم را دزدید  
دیگر آرزویی نداشتم

ریحانه سبحانی

۳۰- نیمه گمشده اش را که پیدا کرد، خطبه طلاق جاری شد

زهرا خداشناس

۳۱- فرد تنها نیست از بودن کنار زوج خسته شده است

زهرا رضایی

۳۲- دستم از مدارک پر.  
اما باز هم آشنا مقدم بود.

زهرا فرهودی

۳۳- صیغه میشی؟

+نه

-به هر حال اینجا "حقوق" خانوما کمتره

+باشه \*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

زهرا محمدی

۳۴- شب یلدای امسال دیگر پدر بزرگ برایم حافظ نمیخواند...

زهرا امینی

۳۵- سکه را بچرخان ؛ شیر ، باهم می مانیم ، خط جدا میشویم.

سارا رشیدی

۳۶- رویش نشد بخرد، مادر شد.

سپیده علیزاده

۳۷- سفره خالی

پدر پشت دود سیگار چهره را پنهان کرد

سعید ذوالفقاری

۳۸- ساخت ولی باخت!

سمانه نصیری

۳۹- نمی دونستم چی بگم. گفت: مامان بین گربه ام چه خوشکل مرده. \*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

سوسن شاکریان

۴۰- تکرار من ها و خودخواهی، در عصابیت فریاد می زد.

سولماز اسدی

۴۱- همگی منتظر یلدا...

کارگر خوشحال:!!!!!!

دقیقه ای بیشتر می توانم کار کنم...

سید حمیدرضا سیدی مقدم

۴۲- احساس نفس تنگی میکنم.

همیشه او را نفسم صدا می زدم

سیدمحمدامین حسینی

۴۳- گریستم. گریست. خندیدم. نخندید. آینه با من صادق بود.

سیروس شریفی

۴۴- قدم میزدیم کیفم مانع بود، برداشتمش

شانه به شانه شدیم \*\*\*برگزیده\*\*\*

سیمین دلبری

۴۵- چه ضرب آهنگی داشت صدای قلب فرزندش در سینه ی دیگری

شکوفه رجب زاده

۴۶- مهمانها که دور شدند رفت سمت خانه، از سرما می لرزید

شکوفه مروی

۴۷- پشت پنجره ایستادم و باران می آید انگار همین حوالی هستی

شیدا کیهانی

۴۸- حضور غیاب

-مهرناز یاری...

...+بله.

-پوششیت؟!!!!

+مهردادم .

...-!؟

+دانشگاه در جریان.

شیرین نوزریان

۴۹- اوتیسم

پروانه ای که پرواز را تمرین میکند و هرگز نمیپرد.

شیمای صمدی میاب

۵۰- لحظه های در انتظار خیلی سخت اند.

ظهور نزدیک شو.

صحرا افراسیابی

۵۱- بخاری

یلدا که شد مادری یلدایش را زیر خاک گذاشت

طیبه نصیری

۵۲- او آمد

و تمام آرزوهایم را ربود

دیگر آرزویی نداشتم

عادلہ سبحانی

۵۳- شب صدایش می کرد. سطل زباله روزی اش بود و تابوتش شد.

عاطفه محمدخان

۵۴- پدر وقتی از همه ناامید شد لبخند خدا را دید.

عبدالله خسروی

۵۵- مادر با صدای قار و قور شکمش گفت: بچه ها اشتها ندارم شما بخورید.

عظیم مهاجری

۵۶- (دیدارِ پدر...)

دخترک خانه را آتش زد!!!....

پدرش آتش نشان بود.... \*\*\*برگزیده\*\*\*

علی برادران

۵۷- ....

حال ما خوب است، اما تو باور نکن!

علی خوبی

۵۸- نفت برای مردم گرفته شد، به مردم دیگر داده شد.

علی قراگوزلو

۵۹- هنوز هم فانوس سر تِلار روشن می‌کند، مادرِ سربازِ مفقود.

علی محمدزاده بشیر شالکوهی

۶۰- همه فریاد ، خاموش کن چراغ این خانه. اشکی گذاشت ، گذشت

علیرضا فانی

۶۱- بیچاره "یلدا" که از روز سهمی ندارد.

فائزه نمک کوبی

۶۲- وقتی او را در می گذاشتند گریه می کرد!!

فاطمه عباس نژاد

۶۳- گفت: از این گندم ها بخورید! گفتند: نه! و تمام.

فاطمه محبی

۶۴- وقتی برگشت، همه رفته بودند.

فهیمة نظری

۶۵- والدین جدید تصادف کردند بچه ها را به بهزیستی برگرداندند.

کاظم رستمی

۶۶- مبارکه، بفرمایید شیرینی.

دینگ، گوشه داماد:

عزیزم حمله ام مبارکت باشه .

کامبیز فرهادصفت

۶۷- بین اون همه ، حتی یک نفر لیاقت عشق منو نداشت

کیمیا خداشناس

۶۸- امروز هم لابلای زباله ها چیز دندان گیری پیدا نکرد!

لیلا حسنی

۶۹- سلام بر حسین که می گفتم

خلوص هدفش آشکار بود.

لیلا خرامان

۷۰- در سفرم، سرزمینی با قوانین دیمی دیدم.  
انتظار باران نمیرفت.

مبین صالحی

۷۱- در همایش روز دختر حاج آقا از حسادت دختران ترشیده می گفت!

محسن اکبری

۷۲- مامان فارغ شد  
عزیزم بالاخره پایان نامه رو تموم کردی .

محسن درخشنده

۷۳- پدر دیگر پولی نداشت و پسرک ابرها را بستنی می دیدید.

محسن صادقی راد

۷۴- با زحمت زیاد به تمام آرزوهایش رسید جز عاشق بودن.

محمد اسدی

۷۵- مادری میگیرید ، مادری میخندد ، قلبی از تپش می افتد ، قلبی میتپد.

محمد متین ملایوسفی

۷۶- سرباز  
روی برجک همه چیز را میدید  
پایین امد، مرد...

محمد مهدی فکریان

۷۷- هود، از پس بوی زن برنمی‌آمد! \*\*\* برگزیده \*\*\*

محمد امین نوبهار

۷۸- در دادگاه از مرد دفاع کرد، زن بود.

محمد رضا رامشگر

۷۹- برایش بهترین همسر دنیا شدم، از خودش بدش آمد، رفت

محمد علی خداشناس

۸۰- اسم، فامیل بازی می‌کردیم...

از «ک»

اسم: کودک

فامیل: کار

محمد مصطفی مظلومی

۸۱- گروه خونی‌اش را که فهمید، مادرش را کشت.

مرضیه میرزایی

۸۲- بعد از طلاق اولین مسافرت دونفریمونو رفتیم...

مریم دلفانی

۸۳- پدر خوبی نبود. مادرم پشت کامیونش نوشت: بی تو بهتر!

مریم سیاوشی

۸۴- گفتم از عشق برایم بگو گفت به مادرت نگاه کن

مریم شعبانپور

۸۵- دل دل می کردم به هدف نخورد.  
زد و نخورد.

مریم معرفی

۸۶- جسد مادر که به سردخانه رسید فرزند مریض مرخص شد.

مزگان حضرتیان فام

۸۷- باد در نی چوپان می دمید؛ گرگ گله را می درید.

مصطفی رستمی

۸۸- آزادی را فریاد کشید اما نانش به نرخ روز بود.

مکیه حمیدی لنگه

۸۹- من بدون تو

ملیکا حبیبی

۹۰- گوگل مپ را زوم میکنم، خیابان، کوچه، بالای سرت هستم...

منصوره سادات میرآقاجانی

۹۱- و هنوز، همچنانم

مهدی بایمانی

۹۲- داماد پرده را درید و گفت : نمیخوامش پرده نداره.

مهراب اکبری شهپر

۹۳- خانه را مرتب کرد. می دانست به زودی تنهایی مهمانش می شود

مهران نعمت اللهی

۹۴- بدون سلاح وارد شد، برای شکنجه‌ی زنان نوازش کافی بود

مهری عموبیگی

۹۵- روزنه آخر بسته شد. مُرده گفت: آخ جون راحت شدم! \*\*\*شایسته تقدیر\*\*\*

مومنه طاقتی احسن

۹۶- سر به هوا راه رفتن عالمی دارد.

دیگر زمینی نیستی.

میترا خرامان

۹۷- بچه به مقعد فیل خیره شد تا پف فیل ببیند.

میلاد پرنیانی

۹۸- چهل سال است که می خندد، هنوز درد دارد.

میلاد قنبری دریایی

۹۹- لباس عروسِ مادر بزرگ را کاشتم، حسرت روید.

مینا یارمحمدی

۱۰۰- معلم نمی داند در گلوی شاگردش یا کریمی خفته است.

نازنین نیک پیما

۱۰۱- با باز شدن دریچه زندان تصویر رنگی زندگی را میدید

ناصرنجاری

۱۰۲- لغزش

مرد بغض کرد، زن خندید. صیغه طلاق جاری شد.

هاشم قدمی

۱۰۳- دلال دلار: سلطان سکه اعدام شد

فروشنده دلار سخته کرد

Ali Ebrahimi